

احمد احمدی

مذهب در نزد عرب پیش از اسلام چه
مفهومی داشته و اعتقادات این مردم بر چه
مبانی و اصولی استوار بوده بحث مفصل و
دلگشی دارد. بعضی از نقاط این بحث کمی
مبهم است. یکی از این موارد بحث درباره
«حنفاء» است آیا اینان مذهبی مستقل و کتابی
مدون داشته‌اند و یا مسلکی خاص و روشی
مخصوص بوده‌است؟ آقای احمدی این بحث
را با ترجمه این مقاله از دائرة المعارف اسلام
(چاپ جدید: ص ۱۶۵) آغاز کرده‌اند.

« حنیف »

ترجمه از دائرة المعارف اسلامی - چاپ
جدید، صفحه ۱۶۵

مونتگمری وات این مسأله را از دید
مخصوص خود می‌بیند. تردید نیست که جای
بحث و گفتگو برای دانشمندان بازااست.

همینقدر هست که از زبان خاورشناسی
این بحث پیش کشیده میشود تا نظر صاحب نظران
چه باشد؟

حنیف (لغت عربی) (جمع: حنفاء) - این کلمه در آثار مکتوب اسلامی

بمعنی فردی است که پیرو دین یگانه پرستی اصیل و صحیحی بوده باشد.

۱- قرآن لغت حنیف علی الخصوص درباره حضرت ابراهیم (ع) بکار رفته است و

وی را بعنوان فردی نمونه که خداوند را خالصانه پرستش میکرده است معرفی نموده:

سوره ۲ آیات ۱۲۹ تا ۱۳۵، سوره ۳، آیات ۶۰ تا ۶۷ - ۸۹ تا ۹۵ - سوره ۴، آیات ۱۲۴ تا ۱۲۵

سوره ۶ آیات ۷۹ و ۱۶۱ تا ۱۶۲ - سوره ۱۶ آیات ۱۲۰ تا ۱۲۱ - ۱۲۳ تا ۱۲۴

سوره ۲۲ آیات ۳۱ تا ۳۲ - در اغلب این آیات کلمه (حنیف) در مقابل کلمات

(بت پرستان - مشرکان) بکار رفته است. همچنین در این آیات از اینکه

حضرت ابراهیم نه یهودی بوده است و نه عیسوی ذکر شده است؛ (سوره ۳

آیات ۶۰ ر ۶۷ - و نیز - سوره ۲ آیات ۱۲۹ ر ۱۳۵) و همچنین ذکر این نکته که : به اهل کتاب اصولاً امر شده بود که خداوند را مانند حنفاء پرستش نمایند ، در قرآن آمده است . (سوره ۹۸ آیات ۴ ر ۵) در دو آیه دیگر آنجا که کلمه مزبور بکار رفته (یعنی سوره ۱۰ آیه ۱۰۵ و سوره ۳۰ آیات ۲۹ ر ۳۰) به محمد (ص) و پیروانش امر شده است که خداوند را مانند (حنفاء) پرستش نمایند ، نه مانند مشرکان و بت پرستان. در سوره ۳ آیات ۱۷ ر ۱۹ ابن مسعود حنیفیه را بجای اسلام قرائت کرد : «دین درست و واقعی در نظر خداوند متعال حنیفیه است» (۱)

تمام این نکات مشعر است بر اینکه از (حنیف) و دینش مفهوم معین و مشخصی در قرآن وجود دارد . این مفهوم بستگی بسیار نزدیکی با مقاومت مسلمانان در برابر انتقادات ذهنی و فکری یهودیان و عیسویان از دین محمد (ص) ، دارد. زیرا مسلمانان با این بیان که دینشان پرستش خالص و بی آرایش خداوند است ، می بایست از خودشان دفاع کنند . مسلمانان می گفتند همچنانکه ادیان قبل از اسلام ، بوسیله وحی بر پیامبران نازل شده ، دین اسلام نیز به محمد (ص) از طریق وحی رسیده است؛ اما ادیان قبلی بمرور زمان تا اندازه ای دچار فساد و تحریف شده و بصورت ادیان یهودی و عیسوی درآمده است (مراجعه کنید به لغت : تحریف) . بعلاوه دین اسلام منطبق با استعدادهای فطری است که خداوند در نهاد آدمیان بودیعت نهاده است : (سوره ۳۰ آیه ۳۰) به این طریق حنیفیه هم در مقابل بت پرستی و شرك قرار میگیرد و هم در مقابل توحید یهودیان و عیسویانی که در دینشان فساد راه یافته و دچار تحریف

1- A. Jeffery, Materials for the history of the text of the

Qur, ān, Leyde 1937, 32 .

«مطالبی برای تاریخ متن قرآن، تألیف: ا. جفری، لندن، ۱۹۳۷، ص ۳۲» .

شده است. در نتیجه، قرائت ابن مسعود در سوره سوم آیات ۱۷ و ۱۹ این نکته را محقق و مسلم میدارد که حنیفیه‌نامی بوده است که مدت‌زمانی به‌دین محمد (ص) اطلاق میشده و نمی‌توان قبول کرد که ابن مسعود این چنین‌نامی را وضع یا جعل کرده باشد. با توجه به این که در سوره ۳ آیات ۶۰ و ۶۷ به ابراهیم (ع) حنیف مسلم خطاب شده و همچنین استعمال بعدی اسلامی نیز بهمین صورت بوده است؛ احتمال دارد که اطلاق این نام به سالهای بعد از هجرت، مخصوصاً بعد از قطع رابطه با یهودیها، بوده باشد. استعمال اصطلاحی (مسلم) و (اسلام) قبل از پایان سال دوم هجری نبوده است. (۲) و شاید مؤخرتر از آن زمان بوده باشد.

۴- در استعمال اسلامی - مفهوم قرآنی و درکی که از کلمه حنیف وجود داشته محفوظ مانده است. حنیف گاهی اوقات بعنوان معادل کلمه مسلم استعمال میشد (ابن هشام، صفحات ۲۹۳ - ۹۸۲ - ۹۹۵ و نیز رجوع شود به صفحه ۸۷۱) استعمال کلمه حنیفیه برای «دین ابراهیم» یا اسلام خیلی فراوان‌تر و بیشتر است. (ابن هشام، صفحات ۱۴۳، ۱۴۷ - ابن اسعد ج I ر ۱ صفحه ۱۲۸ ج III صفحه ۲۸۷) شکل (تحنف) در مورد و معنی (پذیرش و قبول اسلام) استعمال شده است (کامل، صفحه ۵۲۶، شعر جریر، لسان العرب، جلد دهم صفحه ۴۰۴ - طبری ج I صفحه ۲۸۲۷) این آراء و افکار در تهیه و تدوین اصول عقاید صوفی‌ها بکار برده میشد و در آنها تأثیر می‌کرد چنانکه حلاج از خویشتن بعنوان «بنده ناچیز حنیف‌امت محمد (ص)» یاد کرده است (۳)

2- R. Bell, Introduction to the Qur, ān, Edimbourg, 1953, 108 .

- ر. بل. مقدمه بر قرآن، چاپ ادینبورگ، سال ۱۹۵۳، ص ۱۰۸.

3- Massignon, Akhbār 3, 161 .

لویی ماسینیون، اخبار، چاپ سوم صفحه ۱۶۱.

انطاکی و بسطامی حنیفیه را شکل اساسی یگانه پرستی می نامند . (۴)

استعمال کلی اسلامی بدنبال سؤال (کامل ص ۲۴۴) به این صورت ظاهر میشود . «یک حنیف چیست؟ علی الفطره . . . ؟» (مراجعه شود به : دیار بگری ج ۲ ص ۱۷۷) در اشعاری که یاقوت (ج ۲ ص ۵۱) ذکر کرده و نیز دیگر مؤلفانی که حنیف را در نقطه مقابل کشیش عیسوی و حاخام یهودی نقل کرده اند ، این اصطلاح بیقین مسلمان معنی میدهد . و نیز شاید در شعر صخر (هدیله ها ، چاپ کسگارتن ، جلد هیجدهم ، فصل ۲) (۵) درین شعر عیسویانی که شراب می نوشند در اطراف یک حنیف جنجال پیا میکنند (درین جا نیز شارح معنی مسلم را پیشنهاد میکند) شعری را که به امیة بن ابی الصلت نسبت داده شده و در آن از دین الحنیفید سخن می گوید از آن بعنوان تنها دینی که تا قیامت جاوید خواهد ماند یاد می کند (۶) احتمالاً از الهام اسلامی متأثر میباشد . همچنین شعری که در این هشام (ص ۱۸۰) مذکور افتاده است از «تأسیس دین حنیف» سخن می گوید . و نیز در مورد کسی که دین حنیف را اختیار می کند (یتحنف) و با چنین فردی عیسویان پیوستگی می یابند میتوان قبول کرد که منظور ازین تعبیر اسلام است (جریر، نکاند ، ج ۲ ص ۵۹۵) و نیز اصطلاح العیید المتحنف در مورد کسی که نماز می گزارد (صلوة) ، شعر فرد کافری از نجد ، بنام جران العود ، در لسان العرب ، جلد دهم ، ص ۴۰۴ و نیز مراجعه

4- Massignon, passion, 67; le même, Essai 2, 282, etc.

لوئی ماسینیون، عشق، صفحه ۶۷- همین مؤلف، رساله. جلد دوم صفحه ۲۸۲ و غیره .

5- Hudhailitess, ed, kosegartess , XVIII, II .

6- cf. Schulthes, Beiträge sur Assyriologie, VIII, 3

شود به خزانه جلد چهارم ص ۱۹۸) بی‌تین درباره فرد مسلمان است. (۷) تعبیر محتمل دیگری ازین دو مطلب اخیر بعدها مورد توجه قرار خواهد گرفت.

۳ - استعمال عیسوی - کلمه حنیفیه را، بیشتر اوقات و بیش از مسلمانان نویسندگان می‌حی، برای کلمه اسلام استعمال کرده‌اند. (روزنامه مطالعات سامی، دوره دوم، سال ۱۹۵۷ ص ۳۶۰، شماره ۴ در اتیکوس، برهان ج ۱ ر معنی مسلمانان تقریباً حتمی است) (۸) - در نامه‌ای که در حدود سال ۵۹۰ هجری، ۱۱۹۴ میلادی پادشاه عیسوی اسپانیائی به سلطان المهاد نگاشته است (مراجعه شود به: ابن خلکان، ترجمه جلد چهارم، صفحه ۳۳۸)

این اصطلاح آشکار می‌شود. مع‌هذا آنچه بیشتر این مطلب را آشکار می‌کند عبارتی است از (رساله عبدالسیح الکتدی لندن ۱۸۸۰، ص ۴۲) که در آنجا بعد از آنکه ابراهیم بت پرست را حنیف می‌نامد، به دنباله مطلب چنین می‌افزاید که: «ابراهیم دین حنیفیه را، که مبتنی بر پرستش بتها بود، رها کرد تا موحد و مؤمن به خدای یگانه شود، زیرا از کتب مقدسی که از طرف خداوند بر پیامبران وحی شده است، چنین استنباط می‌کنیم که حنیفیه نامی است که دلالت بر پرستش بتها می‌کرده است». این استنباط ممکن است ناشی از مبارزات قلمی ضد اسلامی بوده باشد که به این صورت منشأ قضاوتی شده است و در استعمال قبلی سریانی نیز بصورتی وسیع جنبه مثبت و مقبولی به خود گرفته است. احتمال دارد که بر اثر مبارزات و محاجات قلمی عیسوی‌ها مسلمانها بطور کلی از این اصطلاح دست

۷- شعر جران العود اینست:

و لما رآین الصبح با درن ضوءه

وادرکن اعجازاً من اللیل بعد ما

رسیم نفا البطحاء اوهر اقطف

اقام الصلوة العاید المتحنف

(نقل این دوبیت از مترجم است)

8- Jss, II, 1957, 360, N, 4; Eutychius, Burhān. I .

برداشته آنرا بکار نبردند .

۴ - استعمال این لغت و عمل مذهبی قبل از اسلام : این واقعیت که محمد (ص) و پیروانش می‌توانستند تابع ابراهیم حنیف باشند و بدین امر توجه داشته‌اند نشان می‌دهد که دسته و گروه سازمان یافتند مذهبی بنام حنیفیه در آغاز قرن ششم مسیحی وجود نداشته است . چون مفهوم کلی این کلمه مورد ستایش بوده است دانشمندان مسلمان به این امر توجه کردند که مبنا و اساسی در تاریخ قبل از اسلام برای این کلمه جستجو نمایند ، یعنی کوشیدند حنیف‌های واقعی را بیابند . معهذا دلایل مثبت آنها نسبت به این موضوع نایست بدون بررسی مورد قبول قرار گیرد . بنابراین وقتی گفته می‌شود که عده‌ای در صدد جستجوی «حنیفیه» یعنی دین ابراهیم، برآمده‌اند» (ابن هشام، ۱۴۳، ۱۴۷) ممکن است ، در حقیقت ، به دنبال شناخت دینی تفحص می‌کرده باشند ، اما یقین این اصطلاح را بکار نبرده‌اند . اولین مسئله‌ای که بیش از هر چیز ، مورد بحث دانشمندان جدید قرار گرفته است ، اینست که آیا دلائلی بر استعمال کلمه حنیف در مورد عابد و زاهد ، یا عیسوی و یا فرد دیگری ، قبل از وحی قرآن وجود دارد ؟

با توجه به این نکته که دو کلمه (تحنف) و (تحنت) مشابه یکدیگرند ، ابن هشام (صفحه ۱۵۲) مثالی بدست می‌دهد که جنبه مفهوم قرآنی حنیف را قوی می‌کند زیرا تحنت بیقین از ریشه عبری گرفته شده و بر اعمال زاهدانه اطلاق می‌شود بنابراین ارتباطی با کلمه تحنف ندارد (۹) برخی از اشعار سابق الذکر را (مانند اشعار صخر وجران العود) را میتوان به اشارهای تعبیر کرد که به فردی زاهد و عرب قبل از اسلام شده است . و نیز شعر ذوالرمه (لسان العرب، جلد سیزدهم ، صفحه ۲۰۶) درباره يك حنیف که بسوی مغرب روی می‌آورد سخن می‌گوید . تعدد تعبیرات احتمالی دلیل مقنعی بر استعمال فرضی کلمه حنیف

در قبل از اسلام و برای يك زاهد نمی تواند باشد .

نتیجه يك بررسی دقیق درباره قطعات شعر قدیمی اینست که : کلمه «حنیف» بطور کلی و علی الظاهر مسلم و در برخی مدارك و اسناد دیگر که مربوط به قبل از اسلام می باشند «کافر» معنی می دهد (۱۰) در استعمال کلمه حنیف و مشتقاتش در اولین ترجمه های عربی معادلی برای این نکته اخیر وجود دارد که آنرا در زبان سریانی هنیو (hanpo) و جمع آن را بصورت (hanpē) و غیره نشان می دهد ، این کلمه سریانی معمولا بر «کافر» و اما برخی اوقات بر «فردی که دارای فرهنگ یونانی» باشد دلالت می کند (۱۱) . اما مطالب و مواد سریانی باید با احتیاط مورد استفاده قرار گیرد. زیرا کافران طرفدار فرهنگ یونان و منسوب به حران بنام صابئین شناخته شده اند (مراجعه شود به لغت : صابئیه) و اینان از جهت اینکه خواسته اند خود را «اهل کتاب» معرفی نمایند، بنظر می آید که مفهوم قرآنی حنیفیه را بسود خویش تعبیر کرده و ادعا دارند که لغت سریانی Hanpē مربوط به اینان است. و وارث hanpūtho اولیه می باشند (مأخذ سابق الذکر صفحه ۸ - بابخی از : ثابت بن قره - متوفی بسال ۲۸۸ هـ / ۹۰۱ م - که آنرا : Barhebraeus در کتاب (Chronicum Syriacum, paris, 1890, 168) ذکر کرده است . نظریات و ادعاهای ثابت بن قره و شاید دیگر

10- A. Jeffery, Foreign vocabulary of the Qur,ān, Baroda, 1938, 114)

11- N. A. Faris et (,) H. W. Glidden, the development of the meaning of the koranic Hanif, dans (در) Journal of the palestine Oriental society, XIX (1939), 1-13

(که درمآخذ مزبور مواد متعدد تازه ای مربوط به قبل از اسلام معرفی شده است) 6 - 9 (مخصوصاً) ترجمه عربی آنها در کتاب (ابحاث) جلد سیزدهم (سال ۱۹۶۰) صفحات ۴۲-۴۵ آمده است.

حرانیها، بدون شك منبع استفاده مسعودی قرار گرفته و از اینجاست که او نیز اظهار می کند که صابئین دین حنیفیه را پیروی می نمایند. (تنبیه، صفحات ۶، ۹۰، بعد ۱۲۲ بعد ۱۳۶، ۱۴۵ و نیز: فرهنگ لغات قدیم) مسعودی که در مورد امپراطوران رومی قبل از مسیحیت بحث می کند معهداً، ظاهراً از منابع عیسوی که حنفاء را بمعنی «کفار» بکار می بردند پیروی می نماید، زیرا چهل امپراطوری که مقدم بر قسطنطین (Constantin) بوده اند ممکن است آنان را «کافر» دانست ولی آنها را به «صابئین» نمی توان موصوف کرد. با قبول شباهت حنیفیه و دین صابئین متوجه این نکته می توان شد که بایان حقایقی مفهوم قرآنی حنیف را روشن نمائیم: شباهت دیگری از لغت حنفاء «کافران» به يك منبع عیسوی در یعقوبی (۱-۵۱) یافت می شود در آنجا که کلمه به رقباء شاول Saül (۱۲) و داوود (یعنی فلسطینیها، مراجعه شود به لغت صموئیل، ص ۱۷) که بعنوان ستاره پرستان معرفی شده اند اطلاق می شود. (مراجعه شود به: تئودور Théodore ابوقره الدین القویم در مشرق، ۱۹۱۲، آغاز: الحنفاء الاولون پرستندگان ستارهها).

۵- فقه اللغة: فرضیه هایی که بر حسب آنها لغت حنیف از ریشه عربی یا عبری و یا حبشی آمده است چندان قانع کننده نمی باشد. منبع و مأخذ بایستی سریانی و احتمالاً جمع این لغت یعنی حنفاء (که نشان دهنده لغت hanpē میباشد) شاید از آن گرفته شده است.

در برخی مجامع ارمنی، معنی اولی «païen = کافر» یا (بت پرست = Idôlatre) بر اثر معانی ثانوی، فی المثل «دارای فرهنگ یونانی» دچار ابهام و تاریکی شده است، به قسمی که این اصطلاح بر افرادی که دارای روح فلسفی

۱۲- اول ملوک بنی اسرائیل (القرن ۱۱ ق. م) کان ذاهباً فی طلب حمبر ابیه لما لاقاه النبی صموئیل وبالهام مزاح مسخه ملکا. (المنجد).

میباشد و اساساً موحد هستند می توانست قابل انطباق باشد. استعمال قرآنی بمعنی اولی اهمیت نداد و برخی معانی ثانوی را بسط و تفصیل داده است. از جهت دلالت لفظی ناشناخته نیست (مراجعه شود به "Snob" در زبان فرانسه).

۶- نتیجه: مفهوم اسلامی حنیف و حنیفیه منحصرأ از قرآن مشتق می شود. کلمه حنیف اگر خارج از قرآن استعمال شده است (فی المثل بوسیله عربهای قبل از اسلام یا عیسویها) در اصل بمعنی «کافر» است. بنا براین تجسس درباره نهضت های مذهبی یا زاهدانه یا افرادی که در عصر قبل از اسلام این نام حقیقه بر آنها اطلاق شده باشد بیهوده است. نهضت ها و افرادی وجود داشتند اما اثبات این نکته که افرادی یا کسانی (حنیف بمعنی اسلامی کلمه) بوده باشند نمی تواند واقعیتی در مورد یک فرد مورد قبول مسلمان دیگری یا شخصی که تابع نفوذ اسلامی است مانند ثابت بن قره بوده باشد، بتأیید از جهت تاریخی هیچگونه ارزشی ندارد.

کتاب شناسی - در مقاله: کتاب شناسی پیشین در Glidden, Faris سابق الذکر خلاصه شده است. (و. مونتگمری وات = (W. Montgomery Watt)

پرتال جامع علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

